

بواسطه جناب آقا میرزا حیدر علی
جناب آقا میرزا محمود زرقانی علیه بهاء الله الأبھی

هوالله

نامه مفصل شما رسید و مذاکرات و مکالمات که با آن شخص محترم نموده بودید معلوم گردید شما آنشخص را مکتوم بدارید
ابداً شهرت ندهید چنین نفوس را باید حفظ و صیانت نمود زیرا شهرت سبب خوف و خشیت گردد و شما باید فکر و ذکرترانرا
الآن در آنشخص و اتباع او با کمال وقار و علوئیت حصر نمائید و بحکمت تمام روش و سلوک کنید و کأس سلسبیل را در
مقابل عطش شدید بدهید

اما قضیه اینکه در صحف از پیش نیز شمهئی از این تعالیم الهی موجود آن تعالیم در زمان خود ترویج گشت و تأثیر نمود
حال در دست ملل مانند آیت منسوخ میماند بهیچوجه حکمی ندارد ملاحظه در ملت مسیح کنید که حال نفسی بوصایای
آنحضرت الیوم عمل ننماید و همچنین نظر به اسلام کنید که بکلی از وصایا و نصایح الهی در قرآن بیخبرند لفظی خوانند اما از
معنی بوئی نبرند و همچنین حال هرچند طوائف و ملل سائره از فلاسفه بعضی از الفاظ بر زبان برانند که دلیل بر صلح و سلام
باشد یا دلالت بر حسن رفتار کند ابداً حکمی ندارد گفتگوی محض است ولکن وصایا و تعالیم اسم اعظم نافذ در قلوب
ثابت در نفوس است آثارش ظاهر انوارش ساطع آیاتش باهر و اشاراتش لامع است مثلاً ملک مقتدر امری بر زبان راند فوراً
مجری و معمول گردد و آثار عجیبه در آفاق ظاهر شود آن کلمه امر را بعینه اگر شخص مجهولی بگوید و بکمال قوت بر زبان
راند ابداً تأثیری ندهد و ثمری حاصل نگردد نفوذ کلمه ملوک مقتدر دلیل بر سلطنت و اقتدار اوست ولی لفظ شخص مجهول
دلیل بر عجز و ناتوانی او بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون باری شما نظر باین
بیان نمائید حتی اجعل اورادی و اذکاری کلها ورداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمدا و نزد هر عاقلی واضح و مبرهن است که
الیوم جسم عالم مریض است و مرض مزمن و شدید لابد باید که طبیی حاذق علاج نماید هرچند طیبیان از پیش آمدند و این
بیمار را علاج و ترتیبی دادند ولی هر زمانیرا حکمی و هر مرضی را دوائی در ایام سلف مرض نوعی دیگر بود و حال نوعی دیگر
باید بنظر حقیقت ملاحظه نمود که امراض هائله هیکل امکان را بچه معالجه توان نمود البته باید متابعت طیب حاذق کرد که
آثار مهارت و حذاقت او واضح و مشهود است و بتجربه رسیده است و شبهه نیست که امروز جمیع امراض مزمنه انسانیرا
داروی اعظم و دریاق فاروق اتحاد و اتفاق عموم طوائف و ملل و مذاهب بشر است و تعالیم بهاءالله از جهت وحدت عالم
انسانی در نهایت نفوذ چنانکه ملاحظه مینمائید که الآن بسیار واقع که ملل و مذاهب مختلفه و اجناس متنوعه و قبائل متنافره
جمعاً محفل واحد بیاریند و در نهایت محبت و الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت کنند و حکم یک جسم و یک جان
دارند دیگر چه امریست در عالم که باین قوت علم وحدت عالم انسانیرا در قطب امکان بلند نموده یا نماید باندک تفکر معلوم
گردد باری امیدوارم که شخص محترم اول پرستار این مریض علیل گردند و آنچه طیب حاذق الهی علاج فوری فرموده و دریاق
اعظم نامیده باین بیمار بنوشانند و معالجه فرمایند و علیک بهاء الله الأبھی ع ع